

## نهادهای محلی و ظرفیت آنها در توسعه گردشگری پایدار شهری

حسین کلانتری خلیل آباد<sup>۱</sup>، احمد پورا احمد<sup>۲</sup>، ایرج قاسمی<sup>۳</sup>، سیدرفیع موسوی<sup>۴</sup>

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۹/۲۲، تاریخ تصویب: ۱۳۹۴/۱۱/۲۱)

### چکیده

برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری از جمله مقوله‌هایی است که با توجه به ماهیت چندبعدی آن، نیازمند بهره‌گیری از تمامی عناصر بالقوه موجود است. یکی از عناصری که در توسعه و برنامه‌ریزی گردشگری نقش موثری دارد و بهره‌گیری از ظرفیت آن در جهت توسعه گردشگری پایدار شهری مغفول مانده است، نهادها و تشکلهای مردم نهاد هستند. نهادهای محلی و یا تشکلهای مردم‌نهاد به دلیل ماهیت داوطلبانه، مستقل، غیرانتفاعی و غیرسیاسی بودن فعالیت‌هایشان، از اقبال گسترده‌ای در جلب مشارکت مردم برخوردارند.

با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این پژوهش با روش تحلیلی-توصیفی و بر اساس داده‌ها و اطلاعات حاصله از مطالعه منابع کتابخانه‌ای، اسناد و نوشته‌های مربوطه به بررسی، شناسایی و تحلیل ظرفیت نهادهای محلی بر توسعه گردشگری پایدار شهری می‌پردازد.

نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ارتباط مستقیمی بین ظرفیت نهادی و سطح توسعه پایدار وجود دارد. نهادها و تشکلهای مردم نهاد، به عنوان بازوان قدرتمند ارگان‌های دولتی و خصوصی از ظرفیت بالایی به خصوص در حوزه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه‌های گردشگری برخوردار می‌باشند. نهادهای مردمی به عنوان جایگزینی مناسب برای دولت می‌توانند نقش حفاظتی از میراث فرهنگی و جاذبه‌های گردشگری را بر عهده بگیرند. آنها می‌توانند از ظرفیت اعتمادسازی، مشارکتی و تعاملی خود استفاده نمایند و سرمایه‌گذاری کلانی را در راستای توسعه پایدار گردشگری به سمت عناصر و جاذبه‌های گردشگری شهری سوق دهند.

**واژگان کلیدی:** نهاد، ظرفیت نهادی، گردشگری، توسعه پایدار، شهر

---

\* این مقاله بخشی از رساله دکتری نویسنده مسئول مقاله با عنوان (تحلیل ظرفیت‌های نهادی موثر بر بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری) که در حال انجام است، تهیه شده است.

۱- دانشیار پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی. [h\\_kalantari@acecr.ac.ir](mailto:h_kalantari@acecr.ac.ir)

۲- استاد دانشکده جغرافیا، دانشگاه تهران. [apoura@ut.ac.ir](mailto:apoura@ut.ac.ir)

۳- استادیار و عضو هیات علمی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی

۴- نویسنده مسئول- دانشجوی دکتری رشته جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری- پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

اجتماعی جهاد دانشگاهی: [ourtah@yahoo.com](mailto:ourtah@yahoo.com)

## مقدمه

نهادها، به عنوان رکن سوم توسعه پایدار معمولاً دارای منابع و توانایی هستند که تعامل مکرر بین افراد، شرکت‌ها، گروه‌های جامعه مدنی، سازمان‌ها و حکومت‌ها و دیگر موجودیت‌های جامعه را ساختار بندی می‌کنند. ویلیامز و بومرت در زمینه ظرفیت نهادی اظهار می‌دارند که این مفهوم در واقع یک محیط توانمند گسترده‌تر را بازگو می‌کند که بنیان‌هایی را شکل می‌دهد که براساس آن افراد و سازمان‌ها با هم تعاملاتی را برقرار می‌کنند (willems and Baumert, 2003:11).

سازمان‌های مردم نهاد برای رسیدن به اهداف گوناگونی فعالیت می‌کنند و معمولاً در جهت پیشبرد اهداف سیاسی یا اجتماعی اعضا در حرکت هستند. با نگاهی همه‌جانبه، اگر اهداف توسعه پایدار را شامل «مشارکت‌سازی»، «هویت بخشی»، «عدالت‌محوری»، «میراث‌بانی»، «رابطه‌گرایی» و «امنیت‌یابی» تعریف کنیم، بی‌تردید هر یک از بازیگران میدان توسعه اعم از دولت، جامعه، بخش خصوصی و سازمان‌های غیردولتی در عرصه تصمیم‌سازی‌ها، سهم و نقش کارکردی متناسب با شأن و نزول خود خواهند داشت. در میان این بازیگران، سازمان‌های غیر دولتی با توجه به جایگاه و میدان عمل فراگیر و گسترده‌ای که در محیط توسعه محلی، ملی و بین‌المللی دارند، اهمیت شایان توجهی یافته‌اند (کلانتری خلیل‌آبادی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱۴-۱۱۶).

سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان بازوان قدرتمند جهت کمک به سازمان‌ها و ارگان‌های دولتی و خصوصی دانست. کاهش دادن حجم کاری دستگاه‌ها، کمک به حقوق شهروندی و ایجاد نشاط اجتماعی در جامعه از جمله ظرفیت‌های اصلی سازمان‌های مردم‌نهاد است که با نظارت دقیق بر روند برنامه‌های این ارگان مردم‌نهاد می‌توان شاهد رشد و شکوفایی مدیریت شهری و توسعه پایدار نظام شهری بود. با این حال، یکی از سازوکارهای شالوده‌ای در فرآیند توسعه پایدار تقویت سازمان‌های غیردولتی (NGO) و سمن‌ها (CBO) است و هر جامعه‌ایی که خواستار توسعه پایدار باشد، نمی‌تواند فعالیت سازمان‌های غیردولتی و سمن‌ها را نادیده بگیرد و در هیچ جامعه‌ای نمی‌توان بدون فراهم کردن زمینه‌های مناسب برای فعالیت این سازمان‌ها به سوی توسعه پایدار گام برداشت (نوعی و ساجع، ۱۳۹۰: ۱). محصول اصلی رویکرد نهادی این است که نهادهای مناسب، معتبر و کارآمد برای توسعه در مقیاس محلی و یا منطقه‌ای لازم و ضروری است و در حالی که اجتماعات و سطوح محلی و منطقه‌ای دارای نهادهای کارآمد، مناسب و معتبر دارای چشم‌انداز و روندهای مشخص در زمینه توسعه هستند؛ اجتماعات و سطوح محلی و منطقه‌ای فاقد نهادهای کارآمد، مناسب و معتبر، توانایی کمی در زمینه دستیابی به توسعه و به‌ویژه توسعه پایدار شهری دارند. بنابراین براساس رویکرد نهادی، در نبود نهادهای مناسب، حتی مناسب‌ترین و معقولانه‌ترین سیاست‌های توسعه نیز نتایج کمی به بار خواهند آورد و اغلب منجر به شکست خواهند شد. علاوه

بر این محیط‌های سرشار از فقر نهادی اغلب به وسیله نخبگان کنترل می‌شوند که این امر به خاطر دخالت ندادن بازیگران محلی و منطقه‌ای در فرآیند توسعه باعث جمود نهادی خواهد شد؛ این امر به نوبه خود از هم‌گسیختگی را در فرآیند سیاستگذاری عمومی در سطح محله به بار می‌آورد. نتیجه نهایی شرایط فوق از بین رفتن فرصت‌های موجود برای توسعه پایدار خواهد بود (Amin, 1998: 7-18). بنابراین اهمیت و نقش ظرفیت نهادی به گونه‌ای است که امروزه توسعه این مفهوم هم در بخش سیاستگذاری و برنامه‌ریزی و هم در ادبیات آکادمیک به عنوان مفهومی برای تحرک بخشیدن به تغییر نهادی به کار می‌رود (Brown, 2008, 222). بنابراین با در نظر گرفتن اهمیت موضوع، این پژوهش به شناسایی و تحلیل ظرفیت نهادهای غیررسمی موثر در توسعه گردشگری پایدار شهری می‌پردازد.

### مبانی نظری

#### توسعه پایدار

از اواخر دهه ۱۹۸۰، توسعه گردشگری از توسعه اقتصادمحوری به سمت هرچه پایدارتر حرکت کرد. توسعه پایدار، نقطه ایده‌آل تلاش صنعت گردشگری در قرن ۲۱ است. صنعت گردشگری به این پارادایم با تغییر خودسامانی و شروع برنامه‌های داوطلبانه واکنش نشان می‌دهد. به عنوان نمونه، برنامه‌ها و سیاست‌های داوطلبانه بی‌شماری مانند جهان سبز ۲۱، مبارزه پرچم آبی اروپا، مسافر زیرک در اکوادور، برگ سبز تایلند و دستور العمل (۲) برای صنعت سفر و گردشگری تنظیم شده است (Jayawardena et al, 2008: 265).

سازمان جهانی گردشگری برای اولین بار در سال ۱۹۸۸ اصطلاح گردشگری پایدار را طبق معیارهای گزارش برانت لند این گونه تعریف نمود: "گردشگری پایدار، نیازهای گردشگران حاضر و جوامع میزبان را با محافظت و ارتقاء فرصت‌های آیندگان برآورده می‌کند". کمیته توسعه پایدار گردشگری در نشست در تایلند در مارس ۲۰۰۴ در تعریف گردشگری پایدار تجدید نظر نمود. هدف این بازبینی انعکاس بهتر پایداری در گردشگری با توجه به نتایج کنفرانس توسعه پایدار ژوهانسبورگ است. تعریف مفهومی جدید بر ایجاد تعادل بین جنبه‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و اقتصادی گردشگری، نیاز به اجرایی شدن اصول پایداری در همه بخش‌های گردشگری و مورد هدف قرار دادن اهداف جهانی گردشگری (مانند زدودن فقر) تأکید دارد (Georg, 2008: 8). گردشگری پایدار حاصل تلاش در دستیابی به توسعه پایدار در تمامی زمینه‌هاست. اجلاس زمین در سال ۱۹۹۲ در ریودوژانیرو دولت‌ها را به سمت توسعه‌ای سوق داد که حداقل زیان و لطمه را به محیط

زیست وارد سازد. گردشگری پایدار نیز جزء توافقات حاصل در دستور کار اجلاس ۲۱ (یعنی برنامه‌های مربوط به قرن بیست و یکم) قرار گرفت. هدف اصلی در بسط معنای گردشگری پایدار، ارائه روش‌های منطقی در بهره‌گیری از منابع طبیعی و انسانی و ممانعت از به کارگیری غیرعملی این منابع است. توسعه پایدار گردشگری دارای سه جنبه است:

- حفاظت از محیط زیست
- حفظ منابع و میراث فرهنگی
- حرمت و احترام به جوامع

از این رو گردشگری پایدار باید با سیاست مشخص و مدونی به اجرا درآید تا بتواند حرکت امیدبخشی را در توسعه همه جانبه فضاهای جغرافیایی تضمین کند (زارعی و همکاران، ۱۳۸۹: ۴۲).

باید در نظر داشته باشیم که پایداری نباید مساوی ثبات در نظر گرفته شود. حتی بکرترین اکوسیستم‌ها هم، در حال تغییر دائمی هستند. تجربه نشان داده است که اگر سعی در ثابت کردن متغیرهای یک سیستم داشته باشیم در حقیقت آن سیستم را به سمت فروپاشی سوق داده‌ایم. مفهوم "توسعه پایدار" به کلی با مفهوم "پایداری" متفاوت است، زیرا کلمه "توسعه" به وضوح اشاره به تغییر دارد، تغییری هدایت شونده و پیش رو، در واقع آن چه باید پایدار بماند، فرآیند بهبود یک سیستم اجتماعی - بوم شناختی است. سرعت و میزان تغییرات جهانی، افزایش پیوند سیستم‌های اجتماعی و طبیعی و پیچیدگی افزایش یابنده جوامع و تأثیر آنها بر بیوسفر، رسالت "توسعه پایدار" را از حد نگهداری و حفظ پایه اکولوژیک برای توسعه فزاینده می برد و آن را به افزایش ظرفیت و توان اجتماعی و اکولوژیک برای مقابله با تغییرات دائمی جهان ملزم می سازد که انسان‌ها به آن تعلق دارند.

### آشنایی با اجزایی از مفهوم توسعه پایدار

۱- بنیان اخلاقی توسعه پایدار: نظریات حول این مقوله تا حدودی متفاوت است. یکی از دغدغه‌های اخلاقی که در مفهوم توسعه پایدار به آن پرداخته شده است، مسئله عدالت بین نسل‌ها<sup>۱</sup> است. نسل امروز باید نواقص به وجود آمده در منابع را برای نسل‌های بعدی جبران کند. دغدغه

دیگر که گاهی از آن به Biophilia تعبیر می‌شود، قردرانی از بهای ذاتی طبیعت است و هدف آن حفظ تنوع گونه‌ها و اکوسیستم‌هاست.

۲- پویایی: ابتکارات دائمی تکنولوژی و تغییرات در سازمان اجتماعی ایجاب می‌کند که توسعه پایدار به عنوان یک مقوله پویا موجودیت یابد. سرعت تغییرات، نقش تعیین‌کننده‌ای در توسعه پایدار دارد.

۳- مفهوم: مفهومی که در اینجا ارائه شده در اواخر دهه ۱۹۷۰ معرفی شده است و در واقع تلفیقی از توسعه اقتصادی و حفظ منابع محیطی بوده است؛ ولی تعریفی که در بیشتر اوقات بیان می‌شود، تعریفی است که توسط کمسیون توسعه و محیط سازمان ملل در سال ۱۹۸۷ ارائه شد: توسعه پایدار، توسعه‌ای است که نیازهای امروز را، بدون تضعیف توانایی نسل‌های بعدی برای رفع نیازمندی‌هایشان، مرتفع می‌کند.

«مفهوم توسعه پایدار ناظر بر این واقعیت انکارناپذیر است که ملاحظات مربوط به اکولوژی می‌تواند و باید در فعالیت‌های اقتصادی به کار گرفته شود. این ملاحظات شامل ایده ایجاد محیطی منطقی است که در آن ادعای توسعه به منظور پیشبرد کیفیت همه جنبه‌های زندگی مورد چالش قرار می‌گیرد» (رادکلیفت، ۱۳۷۳: ۳۴).

توسعه پایدار به بیان لمن و ککس<sup>۱</sup> عبارتست از: «روند بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و تکنولوژیکی به طور مساوی و عادلانه. این توسعه در جهتی به پیش می‌رود که اکوسیستم‌ها را آلوده نمی‌سازد و به تخریب منابع طبیعی منجر نمی‌گردد» (Leman and E.Cox, 1991 : 218).

یک شهر با محدوده شهری دارای آستانه ظرفیت معینی است که بعد از آن آستانه، تنزل کیفیت محیط رخ می‌دهد. محدوده یا قلمرویی که یک ناحیه باید توسعه را با آن مطابقت دهد توسط یک برخورد زیست‌محیطی قابل اندازه‌گیری است (Jenks, Burton and Williams, 1996 : 216). با در نظر گرفتن توان و ظرفیت محدود بستر اکولوژیک شهرها، توسعه پایدار شهری با توجه به ویژگی‌های محلی و محیطی در همین قالب و با رعایت اصول اساسی توسعه پایدار، امکان‌پذیر خواهد بود.

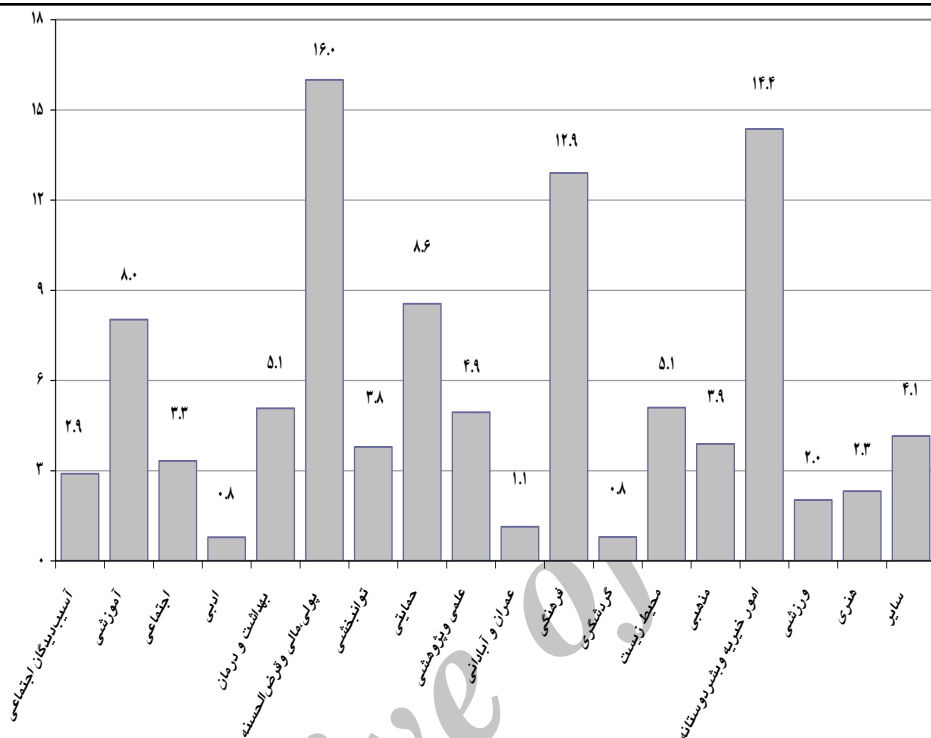
### ضرورت توجه به نهاد

یکی از مهم‌ترین علل توجه به نهادها و نظریه‌های نهادگرایانه، آن است که این نظریه‌ها می‌توانند تا حد زیادی علل توسعه‌نیافتگی کشورهای عقب‌مانده و شکاف بین این کشورها و کشورهای توسعه‌یافته را در متن تاریخ این دو تبیین کنند. داگلاس نورث (۱۹۹۳) در این‌باره می‌گوید: معمای اصلی تاریخ بشری، توضیح واگرایی و چندگانگی عمیق مسیرهای دگرگونی

تاریخی است. یکی از ویژگی‌های برجسته در حال حاضر آن است که شکاف بین توسعه‌یافته و توسعه‌نیافته وسیع‌تر از هر زمان تاریخی دیگر است. چگونه می‌توانیم عملکرد شدیداً متفاوت اقتصادها را در طول دوره‌های زمانی بلندمدت تبیین کنیم؟ پاسخ مبتنی است بر تفاوت بین نهادها و سازمان‌ها و کنش متقابل آن‌ها که به تغییرات نهادی می‌انجامد (موسوی، ۱۳۹: ۶۱).

نهادها در این پژوهش بیشتر نهادهای غیررسمی یا سمن‌ها در سطح محلی را شامل می‌شود؛ گروهایی هستند غیردولتی، در پی رفع نیازها و ضرورت‌های اجتماعی، فرهنگی، بهداشتی، مذهبی و یا اقتصادی از متن جامعه شکل می‌گیرند و در چارچوب اهداف و اختیارات‌شان، به دنبال هدف مشخصی که غالباً در حیطه کمک به حل مشکل، رفع نیاز و یا برقراری یک سنت مذهبی است، گام برمی‌دارند. نهادها به صورت انجمن‌های گوناگون، کانون‌ها، سازمان‌ها، نهادها، بنیادها، مؤسسه‌ها، تعاونی‌ها، باشگاه‌ها، جمعیت، مرکز، مجمع، گروه‌ها و هیئت‌ها می‌باشند.

نهادهای غیررسمی آگاهانه طراحی نمی‌شوند؛ ولی منافع همگان در حفظ آن‌هاست. نهادهای غیررسمی از اطلاعاتی که به طرق اجتماعی انتقال می‌یابند، سرچشمه می‌گیرند و بخشی از میراثی را تشکیل می‌دهند که فرهنگ می‌نامیم (موسوی، ۱۳۹۴ به نقل از: کلسون، ۱۹۷۵). نهادهای غیررسمی از ثبات قابل ملاحظه‌ای برخوردارند و به‌کندی متحول می‌شوند. به همین جهت نسبت به دگرگونی قوانین رسمی به‌سرعت واکنش نشان نمی‌دهند. با آن که بروز انقلاب‌ها با شکست‌های نظامی، نهادهای رسمی جوامع را دچار دگرگونی‌های کلی می‌کند. ویژگی‌های فرهنگی مردم در پی این‌گونه وقایع دست‌خوش تحول نمی‌گردد (نورث، ۱۹۸۴). مطالعات نشان می‌دهد که ظرفیت فعالیت نهادهای محلی در ایران بیشتر در زمینه آسیب‌دیدگان اجتماعی، آموزشی، اجتماعی، ادبی، بهداشت و درمان، پولی، مالی و قرض‌الحسنه، توانبخشی، فرهنگی، گردشگری، محیط زیست، مذهبی، نیکوکاری، امور خیریه و بشردوستانه، ورزشی و هنری هستند (بهادری، ۱۳۸۵: ۴۱). توزیع زمینه‌های فعالیت سازمان‌های غیر دولتی در ایران تا سال ۱۳۹۰ در شکل شماره ۱ بر حسب درصد به تصویر کشیده شده است.



شکل شماره ۱: توزیع درصد سازمان‌های غیردولتی کل کشور بر حسب نوع فعالیت در سال ۱۳۹۰ (معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور، ۱۳۹۰ و موسوی، ۱۳۹۴: ۶۷).

در جدول فوق سازمان‌های غیردولتی در زمینه پولی، مالی و قرض‌الحسنه با بیش از ۱۶٪ از کل سازمان‌ها بیشترین فراوانی را داشته‌اند که در نوع خود بسیار جالب و بحث‌برانگیز است و بعد از آن امور خیریه بیش از ۱۴٪ و امور فرهنگی با بیش از ۱۲٪ فعالیت می‌کنند، در مقابل سازمان‌های غیردولتی در زمینه گردشگری و ادبی با ۰.۸٪ درصد، عمران و آبادانی ۱.۱٪ و آسیب‌دیدگان اجتماعی کمتر از ۳٪ فراوانی را به خود اختصاص داده‌اند.

بنیانگذاران شبکه سازمان‌های غیردولتی در ایران، سازمان غیردولتی را این گونه تعریف نمودند: «یک مؤسسه داوطلبانه و غیرانتفاعی مردمی مستقل از دولت که در سطوح محلی، ملی یا بین‌المللی تأسیس گردیده است. افرادی که آرمان‌ها و گرایشات مشترک بشردوستانه را دنبال می‌کنند اهداف و کارکردهای این نهادها را تعیین می‌کنند. این سازمان‌ها در زمینه‌های ایجاد

آگاهی، آموزش، پژوهش، خدمت‌رسانی و حمایت از اصلاحات محیطی فعال هستند. هدف این فعالیت‌ها انتفاعی نیست. اگر فعالیت‌ها درآمدزا باشند درآمدهای آن‌ها نمی‌تواند به صورت بهره توزیع شود». گروهی دیگر سازمان غیردولتی را به‌عنوان مؤسسه‌ای با ویژگی‌های زیر تعریف کرده‌اند: «فعالیت داوطلبانه، غیردولتی، غیرانتفاعی که پاسخگوی نیازهای جامعه یا گروه‌های اجتماعی خاص است. این تعاریف با معیارهای بین‌المللی برای تعریف سازمان‌های غیردولتی سازگاری دارند و با برداشت از مجموعه تعاریف فوق می‌توان سازمان غیردولتی را این‌گونه تعریف کرد: «یک سازمان مستقل، غیردولتی و داوطلبانه از گروهی از شهروندان که با یک هدف مشترک اجتماعی گرد هم جمع می‌آیند و در مقابل موکلینی که ادعای خدمت به آن‌ها را دارند، مسؤول می‌باشند». به عبارت دیگر، شکل غیردولتی سازمانی با شخصیت حقوقی مستقل، غیردولتی و غیرانتفاعی است که برای انجام فعالیت داوطلبانه براساس قانونمندی و اساسنامه مدون و رعایت چارچوب قوانین موضوعه کشور و مفاد آیین‌نامه‌های اجرایی آن فعالیت می‌نماید (موسوی، ۱۳۹۴: ۷۰).

هر کدام از نهادها اهداف خود را در جهت پیشبرد و دستیابی به رسالتی که بر عهده‌شان است به فعالیت می‌پردازند.

جدول شماره ۱: محورهای عمده فعالیت و ظرفیت نهادهای غیردولتی از دیدگاه شبکه جهانی سازمان‌های غیردولتی

ردیف	عنوان	ردیف	عنوان	ردیف	عنوان
۱	آموزش	۱۰	حقوق بشر	۲۰	منابع طبیعی و انرژی
۲	تجارت، امور، مالی و حمل و نقل	۱۲	اخلاقیات و ارزش‌ها	۲۱	حقوق
۳	مسائل محیطی	۱۳	مذهب	۲۲	صلح و امنیت
۴	منابع انسانی	۱۴	خانواده، سلامتی و تغذیه	۲۳	جمعیت و سکونتگاه‌های انسانی
۵	توسعه پایدار	۱۵	امداد رسانی	۲۴	موقعیت زنان
۶	علم و فناوری	۱۶	خلع سلاح	۲۵	پناه‌جویان
۷	حل تضاد	۱۷	مبارزه با مواد مخدر	۲۶	ملل متحد
۸	گردشگری	۱۸	ورزش	۲۷	هنر
۹	عمران و آبادی	۱۹	خیریه	۲۸	حمایت‌های معنوی

(مرضوی و مالکی، ۱۳۹۱: ۱۸ و یافته‌های نگارندگان)

نهادها می‌توانند نقش‌ها و جهت‌گیری‌های مختلفی برای دولت‌ها داشته باشند. در شرایطی که دولت‌ها تمایل به برقراری و گسترش رسالتی داشته باشند که سازمان مردم‌نهاد بر اساس آن شکل گرفته است و در این راستا ممکن است دچار کاستی‌ها و یا مشکلاتی باشند، نهادها «جهت‌گیری



مثبت یا مشارکتی» با دولت دارند؛ مانند بحث محیط‌زیست؛ ولی در شرایطی که دولت بنا به دلایلی تمایل به رشد برخی از مقوله‌ها نداشته باشد، سازمان مردم نهاد با «جهت‌گیری منفی یا مقابله‌ای» به ایفای نقش‌های خود می‌پردازند برای مثال در مباحث مربوط به حقوق فردی و جمعی (حقوق زنان، حقوق بشر و حقوق کودکان) چنانچه دولتی بنا به منافع خود نخواهد اقدامی انجام دهد، سمن‌ها با تحت فشار قرار دادن دولت، تلاش می‌کنند تا آن‌ها را در مسیر اهداف خود قرار دهند (رفیعی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۴۶-۳۴۵). در مورد اهمیت توجه به نهادهای محلی، کوفی عنان دبیرکل سابق سازمان ملل گفته است؛ «قرن بیست و یکم عصر سازمان‌های مردم‌نهاد خواهد بود» (مقیمی، ۱۳۸۵: ۴۰).

در مجموع، سازمان‌های مردم نهاد با هر نوع جهت‌گیری، می‌توانند نقش زمینه‌سازی و یا با فعالیت‌های اجرایی (نقش‌عامل) را در گسترش مقوله‌های مختلف از جمله گردشگری پایدار شهری داشته باشند. به عنوان مثال تشکل‌های مردم نهاد در بسیاری از زمینه‌ها در حوزه محیط‌زیست، میراث فرهنگی و گردشگری گامی جلوتر از دستگاه‌های دولتی در حفظ میراث قدیمی و کهن برداشته‌اند. از طرف دیگر نهادهای محلی با توجه به ظرفیت‌شان و از طریق همکاری با دولت سبب شده‌اند تا در حوزه‌هایی مانند میراث فرهنگی و گردشگری فعالیت‌های بسیار خوبی صورت گیرد به نحوی که فعالیت این تشکل‌ها در مواردی از وارد آمدن گزند و آسیب به بافت‌های تاریخی شهری ممانعت کرده است. که این امر به دنبال خود گردشگری پایدار شهری را به ارمغان می‌آورد.

### نقش نهاد و ظرفیت نهادی در ایجاد توسعه پایدار

نهادهای به عنوان سازمان‌های غیردولتی موسساتی کارآمد هستند که به عنوان مکمل بخش دولتی در تأمین اهداف توسعه از جایگاه ویژه‌ای برخوردار می‌باشند و در دستور کار ۲۱ که در اجلاس سران زمین در ریو به تصویب رسید از آنان به عنوان «شرکایی برای تحقق توسعه پایدار» نام برده شده است (گل‌محمدی و یوسفی، ۱۳۸۸: ۹).

از سوی دیگر و در همین ارتباط می‌توان به مفهوم ظرفیت اشاره کرد؛ ظرفیت، توانایی افراد، سازمان‌ها و جوامع محلی برای انجام وظایف، حل مسائل، تدوین و دستیابی به اهداف خاص در یک رشته خاص است. ظرفیت می‌تواند توانایی افراد، سازمان یا واحدهای سازمانی برای انجام وظایف به طور مؤثر، کارا و پایدار تعریف شود. بس‌هانادل<sup>۱</sup> «ظرفیت را توانایی نفوذ و پیش‌بینی تغییرات، تصمیم‌گیری آگاهانه در مورد سیاست، اجرای تصمیمات سیاسی از طریق توسعه برنامه و به‌طور-

کلی تملک و مدیریت منابع و انجام ارزیابی‌های معنی‌دار تعریف می‌کند. از این جنبه ظرفیت نهادی دارای سه بعد است.

- ظرفیت بر مبنای منابع؛ شامل منابع انسانی، مالی، فن‌آوری و زیرساخت؛
- ظرفیت اداری؛ توانایی اعمال سیاست‌های اجرایی به روش موثر و کارآمد؛
- ظرفیت مدیریتی؛ توانایی انجام وظایف با روند مدیریتی موثر و هماهنگی مناسب با دیگر سازمان‌ها» (شکل شماره ۲)؛



شکل شماره ۲: ابعاد ظرفیت برای عملکرد نهادی (Masum, 2011: 3-4)

همچنین ظرفیت اشاره به توان فرد و گروه برای به عمل آوردن مسؤولیت‌ها دارد. بنابراین ظرفیت صرفاً توانایی افراد نیست، بلکه این اصطلاح به معنی اندازه وظیفه، منابعی که برای انجام وظیفه لازم است و چارچوبی که ظرفیت در درون آنها شکل می‌گیرد، است (Frank, 1992: 52). ظرفیت نهادی به عنوان سیاست و ابزار اصلی رویکرد نهادی در توسعه دیده می‌شود. امروزه ظرفیت نهادی اغلب بر توانمندسازی ساکنان و سرمایه اجتماعی تمرکز دارد که به عنوان فرهنگ و ارزش روی ساکنان اثرگذار است (willems and baumert, 2003: 10). "ظرفیت‌های نهادی" از یک سو، عملکرد (وظایف) را که مؤسسات شایستگی یا توانایی انجام آن را دارند، شامل می‌شود، و از سوی دیگر، منابع (انسانی، فنی و مالی) و ساختار سازمان را در بر می‌گیرد ساختار شامل روابط، قوانین، ارزش‌ها، رفتار، و غیره است. به عبارت دیگر ساختار یک نهاد در یک سیستم شامل روابط

کار، سلسله مراتب، انجام دستورات داده شده، تقسیم کار و مسؤولیت‌ها، کانال‌های ارتباطی و به اشتراک‌گذاری اطلاعات می‌شود (bhagavan and virgin, 2004: 3-4).

مزیت نهادها بر سازمان‌های دولتی در این است که اول: این نهادها می‌توانند مردم فقیر و افراد آسیب دیده و در معرض آسیب را در سطح محدود محله، روستا و غیره شناسایی کرده و به آنها کمک نمایند. دوم: این نهادها به دلیل ماهیت داوطلبی خود با هزینه‌های کمتر، بهترین کارایی را در خدمت‌رسانی دارند. سوم: سازمان‌های مردم نهاد به وسیله کار با گروه‌های جامعه مشارکت محلی را ارتقا می‌بخشند و بر ابتکارات خودیاری محلی و کنترل برنامه‌ها تاکید دارند و نهایتاً این سازمان‌ها متناسب با نیازها و شرایط محلی نوآوری می‌کنند و خود را با آنها تطبیق می‌دهند. این الگوهای مشارکتی سازمان‌هایی را شکل داده‌اند که دارای ویژگی‌هایی هستند که می‌توان آنها را نسبت به سازمان‌های دولتی در جامعه کارا تر سازد که از جمله آنها می‌توان به مردمی بودن، انعطاف‌پذیری، صمیمیت و خدمات بدون چشم داشت اشاره کرد (معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور، ۱۳۹۰: ۱۲ و موسوی، ۱۳۹۴).

در یک نگاه کلی با ۵ سطح ظرفیت نهادی مواجه هستیم که عبارتند از:

سطح میکرو: سطح فردی و شخصی؛

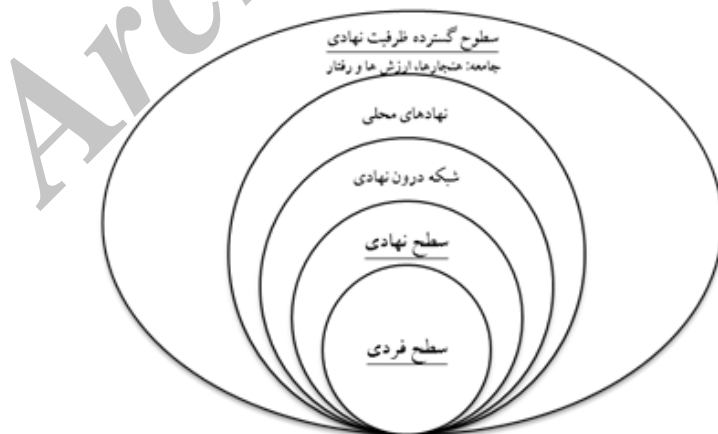
سطح متوسط: سطح سازمانی،

سطح ماکرو: این سطح ظرفیت نهادی گسترده‌تری را شامل می‌شود. این سطح شامل:

شبکه درون سازمانی؛

حکومت‌های محلی،

و جامعه (هنجار، ارزش و رفتار) می‌شود.



شکل شماره ۳: نگاه کلی به سطوح ظرفیت نهادی (segnestam et al, 2002)

ظرفیت نهادی یک فرایند یکپارچه است که توسعه ظرفیت فردی مرحله آغازین آن است که مهارت و دانش را به رویارویی با موانع اجرایی نهادها هدایت می‌کند، در بسیاری از کشورهای درحال توسعه سیستم آموزش حرفه‌ای توسعه‌نیافته است و به همین علت جوانان بااستعداد اغلب فاقد منابع موردنیاز (پرورش، آموزش، دانش و پشتیبانی روحی و فکری)، برای تأمین نیازهای سازمانی و نهادی هستند. درحالی‌که توسعه ظرفیت نهادی برای مقابله با پدیده معمول "فرار مغز" که اغلب منجر به اتخاذ موقعیت‌های بهتر در بخش نهادهای غیردولتی یا نهادهای بین‌المللی توسط کارکنان مجرب می‌شود، لازم و ضروری است. توسعه ظرفیت نهادی فضای متجانس برای استفاده از سرمایه انسانی فراهم می‌کند، بنابراین توسعه ظرفیت نهادی و فردی جدا از هم نیستند، بلکه توسعه ظرفیت فردی بخشی ادغام‌شده در توسعه ظرفیت نهادی است (masum and Germany:2011:6).

هانف و موراتا در کشور اسپانیا به بررسی ظرفیت نهادی برای دستیابی به توسعه پایدار پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که صرفاً خواستن توسعه پایدار کافی نیست بلکه داشتن ظرفیت‌هایی برای انجام انواع فعالیت‌هایی که برای رسیدن به توسعه پایدار لازم هستند، ضروری است (Hanf and Morata, 2008). سامپر ظرفیت نهادی را، ظرفیت برای گذار، تغییر یا تحول می‌داند و با اندازه‌گیری شاخص‌های توسعه در سطح شهرستان‌های کرواسی و ارتباط دادن آن با میزان ظرفیت نهادی در نهایت نتیجه می‌گیرد که شهرستان‌های با سطوح بالاتر ظرفیت نهادی شاخص‌های بالاتری در زمینه توسعه دارند و در نتیجه ارتباط مستقیمی بین ظرفیت نهادی و سطح توسعه وجود دارد (sumper, 2007). پایک و همکاران ضمن برشمردن در دلایل شکست رویکردهای بالا به پایین در توسعه پایدار شهری، شکل‌گیری الزامات جدید نهادهای جدید برای توسعه در چارچوب رویکردهای پایین به بالا را لازم و ضروری می‌دانند (Pike et al, 2006). به نظر ایوانس و همکاران وجود ظرفیت‌های بالاتر نهادی و اجتماعی، احتمال رسیدن به توسعه پایدار را افزایش می‌دهد و برعکس فقدان و یا پایین بودن ظرفیت نهادی و اجتماعی باعث شکست سیاست‌های توسعه پایدار می‌گردد. (Evans et al, 2005). بعضی از پژوهشگران با اشاره به اینکه، پایداری یک هدف تازه، بزرگ و پیچیده و یک امر مهم در سیاستگذاری است اظهار می‌دارند که به لحاظ منطقی، ارتقاء پایداری مستلزم ایجاد اقدامات بیشتر و بهتر در بطن و محیط نهادی و سیاستگذاری و نیازمند ملاحظات واقعی در سیستم نهادی است (Connor and Dovers, 2004). لاو و چیلدرمن معتقدند نهادها با تسهیل کردن قوانین و با افزایش فعالیت‌های اقتصادی و سرمایه گذاری باعث افزایش سطح درآمد جامعه شهری می‌شوند. نهادها در تعامل با موسسات مالی سبب

افزایش دسترسی مردم فقیر به سرمایه‌های مالی و قابل مبادله می‌شوند. نهادها رفاه را با افزایش سلامت روانی و جسمانی برای مردم محلی فراهم می‌کنند. (lowe and schilderman, 2001). بنابراین با توجه به موارد فوق الذکر می‌توان گفت ارزش مفهوم توانایی و ظرفیت نهادی در این است که در صورت توجه به آن، بصیرت لازم درخصوص تدوین راهبردها، سیاست‌ها و الگوهای توسعه پایدار محلی را شکل بخشیده و ضمن جهت دادن به تغییرات اساسی در ابعاد نهادی، بسترهای شناخت لازم را برای درگیر کردن هر چه بیشتر عوامل محلی در روند توسعه را فراهم می‌کند. شکل شماره ۴ نشان می‌دهد که امروزه نهاد و بهره‌گیری از ظرفیت آن به عنوان یکی از ابعاد توسعه پایدار مطرح است.



شکل شماره ۴: ابعاد توسعه پایدار (منبع: موسوی، ۱۳۹۴)

### ظرفیت نهادی و مدیریت محله‌ای

از اواسط دهه ۱۹۸۰ میلادی تاکنون توجه عمده مدیریت شهری بر ظرفیت سازی محلی، تقویت رویکرد نهادی سازمانی و در نهایت حرکت از نوعی مدیریت متمرکز به مدیریت محلی معطوف شده است. لذا لزوم «استفاده از ظرفیت‌های نهادی محله‌ای» و «بازتعریف نقش بازیگران و کنشگران مدیریت شهری» در سطح محله‌ای، شناخت مفهوم «سرمایه اجتماعی» و کارکردهای آن را در سطح محلی ضروری ساخته و به شکل‌گیری و اجرای الگویی جدید از مدیریت شهری در سطح محلات به عنوان «مدیریت محله محور» کمک کرده است (نوریان و مظفری‌پور، ۱۳۹۲: ۴۷).

سازمان‌های مردم‌نهاد را می‌توان جایگزینی مناسب برای دولت‌ها در زمینه ارائه خدمات و اولویت‌هایی مانند توسعه مشارکت‌ها، محیط‌زیست و گردشگری دانست. از چند دهه پیش صاحب‌نظران عرصه مدیریت شهری، به پایین‌ترین سطح حکومت، یعنی «حکومت محلی» به عنوان

کارآمدترین سیستم مدیریت شهری اشاره داشته‌اند. در این دوران ناکارآمدی سیستم‌های اداره امور شهری که مستلزم کنترل بر منابع مالی بود، جای خود را به رویکرد حکمرانی شهری داد. این دیدگاه بر پایه مشارکت و همکاری سازمان‌های غیر دولتی، سازمان‌های اجتماعی محله‌محور و سازمان‌های رسمی بنیاد نهاد شده است. در چند سال گذشته شهرداری‌ها به منظور جلب مشارکت هر چه بیشتر شهروندان در اداره شهرها و برقراری سیستم حکمروایی خوب شهری، طرح‌های مختلفی از جمله محله‌گرایی، ناحیه محوری و... را به اجرا گذاشتند. طرح‌هایی که توانسته است به نوعی توجه شهروندان را به خود جلب کند و میل به مشارکت با مدیریت شهری را در بین آن‌ها افزایش دهد (رمضانی فرخند و گزلان طوسی، ۱۳۹۱: ۷). طرح مدیریت محله‌ای از جمله طرح‌هایی است که از چند سال گذشته در شهرهایی از قبیل مشهد، تهران و... به اجرا گذاشته شده است. در این طرح، اداره بخشی از امکانات محله به خود مردم سپرده می‌شود، به عبارت دقیق‌تر مدیریت شهری در طول فرایندی قانونی و مورد پذیرش در راستای کاهش تصدی‌گری، برون سپاری، گسترش و نهادینه کردن مشارکت آگاهانه و اثربخش مردمی و واگذاری فضاها، ابنیه و فعالیت‌های فرهنگی، هنری، اجتماعی و ورزشی به مردم، مدیریت در سطح محله را به وجود آورده است (طالبی-نژاد، ۱۳۹۱: ۲۷). در واقع طرح مدیریت محله‌ای ظرفیت‌های واقعی نهادهای محلی را در راستای توسعه پایدار شهری به خوبی نمایان کرده است.

### ظرفیت نهادی و توسعه پایدار گردشگری شهری

تشکل‌های مردم نهاد در تشویق سرمایه‌گذاران و در جهت توسعه زیرساخت‌های گردشگری یک منطقه می‌توانند نقش خوبی ایفا کنند. نهادها می‌توانند با معرفی و شناساندن آثار تاریخی و مناطق گردشگری و حتی صنایع دستی هر منطقه، سرمایه‌گذاران را به سوی سرمایه‌گذاری در آن منطقه سوق دهند. با توجه به این که نهادها به خوبی از وضعیت گردشگری محل مورد استقرار خود با خبر هستند با سوق دادن سرمایه‌گذاران به سرمایه‌گذاری و اولویت قراردادن سرمایه‌گذاری در هر منطقه می‌توانند توسعه پایدار گردشگری را برای شهر به ارمغان آورند. به عنوان مثال با توجه به اینکه امروزه بحث گردشگری شهری در راستای درآمدزایی پایدار برای شهر و شهرداری از اهمیت زیادی برخوردار است و بافت‌های تاریخی و قدیمی شهر که با معماری سنتی و چشم نوازشان یکی از عناصر گردشگری شهری محسوب می‌شوند. نهادهای محلی بخصوص نهادهایی که در زمینه گردشگری و محیط زیست فعال هستند می‌توانند سرمایه‌گذاران را به سوی سرمایه‌گذاری در محورهای تاریخی شهر سوق دهند. بافت‌های تاریخی کانون و هسته شهرها هستند. حیات این بافت‌ها طی سده‌های گذشته پایه بسیاری از آداب و رسوم و حتی فرهنگ موجود و نیز رونق

اقتصادی شهر و منطقه بوده است. فضاهای تاریخی شهری قبل از همه وظیفه دارند تاریخ، هویت عینی و ذهنی شهر را حفظ کنند و در زندگی جاری سازند. پاسدار همه خاطره‌ها و یادمان‌ها بوده و از این رو باید فعالیت‌هایی را در کالبد خود جای دهند که با هدف یاد شده انطباق یابد. چنین فضاهایی با توسعه فعالیت‌ها و فضاهای گردشگری در حفظ بناها و عناصر تاریخی خود موفق می‌شوند و حضور شب و روز شهروندان و گردشگران را امکان‌پذیر می‌سازند. نهادهای محلی می‌توانند از این ظرفیت خود استفاده نمایند و با جلب و حضور مشارکتی مردم، جوانان و نوجوانان در جشن‌ها، انواع گردهم‌آیی‌های اجتماعی، برپایی نمایش‌ها و معرفی فرهنگ‌های گوناگون، اشکال گوناگون تعاملات اجتماعی و فرهنگی و هر آن‌چه مظهر تنوع فرهنگی و قومی یک ملت بزرگ با تاریخ هزاران ساله است می‌توانند در چنین فضاهایی زمینه‌های جلب گردشگران داخلی و خارجی را فراهم سازند. از این رو اقتصاد مرکز تاریخی شهر با صنعت و فعالیت‌های گردشگری شکل می‌گیرد و حیاتی تازه می‌یابد (موسسه پژوهشی مهندسی راهبرد دانش پویا، ۱۳۹۰: ۶۷).

برای فهم بهتر مطلب تجربه‌ای موفق از همکاری تشکلی‌های مردم نهاد را در ذیل می‌آوریم:

در سطح جهان تشکلی‌های مردم نهاد تجربیات موفق در ارتقاء گردشگری مناطق نمونه گردشگری و گردشگری روستایی داشته‌اند که از آن جمله می‌توان به پروژه شهر تاریخی دوبرت در جنوب تونس اشاره نمود. دوبرت شهری باستانی با طبیعت گرم و خشک است که قدمت آن به هزاران سال پیش برمی‌گردد. تشکلی مردم نهاد به اسم اختصاری *asnaped* به منظور احیاء اقتصاد و روش زندگی، حفاظت از محیط زیست و به دلایل تاریخی باستان‌شناسی و فرهنگی فعالیت خود را در دوبرت آغاز نمود. اولین هدف این تشکلی حفظ مهم‌ترین بخش‌های شهر باستانی مانند مسجد، آب انبارهای قدیمی و غارهای عصر حجر در مجاورت آن بود. نقش تشکلی در این برنامه مشخص نمودن منابع مالی، جمع‌آوری سرمایه و هدایت امور اجرایی پروژه و به عنوان رابط و میانجی بین اعضای مختلف پروژه نظیر جمعیت محلی، اختیارات دولتی، تشریک مساعی تشکلی‌ها و سازمان‌ها، بنگاه‌های پولی و وقف‌کنندگان می‌باشد. از طرفی این تشکلی تلاش‌هایی در جهت تقاعد ساختن یونسکو به ثبت دوبرت به عنوان یک اثر جهانی نموده است و مقامات دولتی منطقه را ترغیب به مداخله و حمایت از روستا از طریق گنجاندن آن در بسته توره‌های گردشگری نموده است. از دیگر تلاش‌های تشکلی ایجاد تنوع در منابع درآمدی منطقه نظیر توسعه اکوتوریسم می‌باشد (پورا احمد و همکاران ۱۳۹۳: ۶).

اقتصاد پایدار با تأکید بر گردشگری در مراکز تاریخی، می‌تواند منشأ بهره‌برداری اقتصادی فراوانی از این مراکز شود که این موضوع خود بهانه‌ای برای تجدید حیات مراکز تاریخی و موجب بازگرداندن کارکردهای فاخر و برتر با توجه به ظرفیت‌های این فضاها می‌شود. در زمان معاصر

با شناخت عوامل اصلی تخریب بافت‌های با ارزش تاریخی و سازگاری واژگان نوین طراحی معماری با زبان کهن معماری بومی می‌توان در جهت بهبود محیط شهری و جهت‌های توسعه آتی آن، نقش آفرین بود. فلسفه احیا و دوباره‌سازی اندام‌های صدمه‌دیده و فرسوده شهرها، ریشه در همین جایگاه دارد و به نظر می‌رسد یکی از مؤثرترین راهکارها در احیای دوباره بافت‌های تاریخی، ایجاد فعالیت‌های مجدد در این مناطق با توجه به توانایی‌های فیزیکی و کالبدی آنها از طریق ظرفیت‌های نهادی موثر محلی است. ایجاد محورهای گردشگری می‌تواند به‌عنوان یکی از روش‌های احیای فضاهای تاریخی شهری و جذب گردشگر مورد استفاده قرار گیرد. محورهای گردشگری در صورت دارا بودن ارزش‌ها و ویژگی‌های یاد شده می‌توانند بافت پیرامونی خود را متحول کنند. به طور مثال ایجاد فعالیت‌های تجاری در محور گردشگری به نحوی که مورد توجه گردشگران باشد، اقتصاد محله را متحول می‌کند و تغییر کاربری بافت‌های کناری بناهای با ارزش به‌عنوان محل‌های استراحت مانند هتل و رستوران نیز در این موضوع مؤثر است. اهمیت و ارزش این بافت‌های کهن چنان است که هم‌اکنون و با محدودترین امکانات ضروری، توانسته‌اند بسیاری از گردشگران را به خود جذب کنند. بنابراین ساماندهی و احیای این مراکز شهری از طریق ظرفیت‌های محلی، ضمن تحقق هدف حفاظتی این بافت‌ها به دلیل ارتقای کیفی فضاهای مربوطه و تجهیز مناسب آن‌ها، نه تنها نیازهای ساکنان به فضاهای مطلوب شهری برای زندگی جاری را تأمین می‌کند، بلکه چرخ‌های توسعه گردشگری پایدار شهری را در این بافت‌ها فعال می‌کند؛ این امر علاوه بر اینکه موجب افزایش هویت اجتماعی و فرهنگی مجموعه بافت می‌شود، راهکارهای مؤثر و تجربه‌شده برای ایجاد و بازتولید عرصه‌های عمومی و هویت از دست رفته و خاطرات زده شده از بافت‌های تاریخی شهرهای ایران را فراهم می‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد قادرند نقش حساس‌سازی، آگاه‌سازی، تسهیل‌گری و ظرفیت‌سازی برای مشارکت‌های مردمی و سازمان یافته آنان در برنامه‌ریزی و توسعه گردشگری پایدار شهری را برعهده گیرند.

گروه‌های مردم‌نهاد می‌توانند با تعامل با دولت و سازمان‌های ذیربط این هدف را محقق سازند. نهادها و سازمان‌های غیردولتی با ایفای نقش‌ها و ظرفیت‌های نظارتی، بسیج، جذب و هدایت منابع انسانی، مادی و معنوی می‌توانند بهترین نمود از مشارکت مردمی باشند که با انسجام بخشی به گروه‌های انسانی هم‌هدف، راه‌گشای دستیابی به اهداف توسعه پایدار در منابع ملی باشند. سازمان‌های غیردولتی در کنار بخش خصوصی و دولت، رکن سوم توسعه پایدار شهری را تشکیل می‌دهند. به طور کلی در جامعه خواهان توسعه پایدار نمی‌توان فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد را نادیده گرفت و به همین دلیل باید بسترهای مطلوبی برای فعالیت این سازمان‌ها فراهم شود تا بتوان به سوی توسعه پایدار گام برداشت (موسوی، ۱۳۹۴).



### نتیجه‌گیری

امروزه تشکلهای مردم نهاد محلی می‌توانند به عنوان بازوان اعتمادساز سازمان‌های دولتی در سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و اجرای طرح‌های شهری محسوب شوند. یکی از مهم‌ترین عواملی که موفقیت سازمان‌های دولتی را در اداره امور محلی تضمین می‌کند، جلب مشارکت عمومی است و گروه‌های مردم‌نهاد، زمینه مشارکت سازمان‌یافته مردم را فراهم می‌کنند. زمینه‌های فعالیت بیشتر سازمان‌های مردم‌نهاد به نحوی با وظایف سازمان‌های دولتی مرتبط است. همچنین اعضای این گروه‌ها علاوه بر اینکه اغلب تحصیل کرده و متخصص‌اند، پایگاه مردمی و انگیزه‌های قوی اجتماعی دارند و در کنار سازمان‌های دولتی، در حرکت به سوی جامعه‌ای توسعه‌یافته می‌توانند نقش مؤثری ایفا کنند. باید اذعان کرد که در جامعه ایران به علت ناشناخته بودن اهمیت فعالیت سازمان‌های مردم‌نهاد در جامعه، در دوره‌های اخیر، تلاش در این زمینه چندان چشمگیر نبوده است. در شرایط کنونی مهم‌ترین اقدام در این زمینه می‌تواند بهره‌گیری از همکاری سازمان‌های مردم‌نهاد در قالب کمیسیون‌های تخصصی شوراها باشد. ضمناً سازمان‌های مردم‌نهاد با پایگاه قوی اجتماعی و نگاه بیرون از سیستم دولتی به مسائل جامعه و شهروندان می‌توانند به دور از توجیحات معمول به نقد و ارزیابی فعالیت‌ها بپردازند و از این طریق به سازمان‌های دولتی کمک کنند.

علی‌الیه، امروزه گردشگری شهری به عنوان یکی از زیر بخش‌های مهم صنعت گردشگری به میزان زیادی مورد توجه قرار گرفته و در فرآیند جهانی شدن اهمیت روزافزون یافته است. چرا که این بخش از گردشگری با امکان حفظ ارزش‌ها، باورها و رسوم باستانی به نحو مطلوبی می‌تواند اشاعه‌دهنده ارزش‌ها و سنن جوامع در سطح ملی و محلی باشد. مهم‌تر اینکه گردشگری شهری با ایجاد فرصت‌هایی برای اشتغال و کسب درآمد برای ساکنین محلی و توسعه ساختارهای زیربنایی امکان توسعه پایدار و یکپارچه شهری را فراهم می‌آورد.

نواحی شهری به علت آن که جاذبه‌های تاریخی و فرهنگی بسیار زیادی دارند غالباً مقاصد گردشگری مهمی محسوب می‌گردند. شهرها معمولاً جاذبه‌های متنوع و بزرگی شامل موزه‌ها، بناهای یادبود، تئاترها، استادیوم‌های ورزشی، پارک‌ها، شهرسازی، مراکز خرید، مناطقی با معماری تاریخی و مکان‌هایی مربوط به حوادث مهم و یا افراد مشهور را دارا بوده که گردشگران بسیاری را جذب می‌کند. در صورت عدم وجود سیاست‌های مناسب، این امر ممکن است مضراتی را برای شهر به همراه داشته باشد؛ بنابراین باید برنامه‌ریزی‌ای در جهت توسعه پایدار گردشگری صورت گیرد تا تهدیدها تبدیل به فرصت شوند، لازمه این امر بهره‌گیری از توانایی تمام عناصر بالقوه موجود در شهر است. یکی از عناصر مهم در توسعه و برنامه‌ریزی توسعه پایدار گردشگری، نهادها و تشکلهای مردم‌نهاد محلی هستند که از ظرفیت بالایی در زمینه سیاستگذاری، برنامه‌ریزی و اجرای پروژه-

های گردشگری برخوردار می‌باشند. سازمان‌های مردم‌نهاد به عنوان رکن سوم توسعه پایدار با هر نوع جهت‌گیری که داشته باشند می‌توانند نقش زمینه‌سازی و با فعالیتهای اجرایی، نقش عامل را در گسترش مقوله‌های مختلف از جمله گردشگری پایدار شهری داشته باشند. نهادهای محلی با توجه به ظرفیتهای تعاملی، اعتمادساز و مشارکتی‌ای که دارند می‌توانند با جلب حداکثری مشارکت مردم، سازمان‌های مسؤول را جهت دستیابی به توسعه پایدار گردشگری شهری سوق دهند.

Archive of SID

### منابع

- بهاردی، طارق، (۱۳۸۵)، سازمان‌های مردم‌نهاد؛ مشاورانی آماده، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی و پژوهشی شوراها، شماره هفتم.
- پوراحمد، احمد، کلانتری خلیل‌آباد، حسین و سید رفیع موسوی، (۱۳۹۳)، نقش تشکلهای مردم‌نهاد و ظرفیت آنها در بازآفرینی پایدار شهری، همایش ملی بافت‌های فرسوده و تاریخی کاشان، ۱۸ و ۱۹ اردیبهشت.
- رادکلیفت، مایکل، (۱۳۷۳)، توسعه پایدار، حسین نیر، تهران: انتشارات مرکز مطالعات برنامه‌ریزی اقتصاد کشاورزی.
- رفیعی، فرشاد، صباغ‌گل، منصور، ابراهیمی، رعنا، (۱۳۸۷)، نقش سازمان‌های مردم‌نهاد در گسترش امنیت انسانی، مجموعه مقاله‌های همایش بین‌المللی امنیت انسانی در غرب آسیا، کیسیون ملی یونسکو در ایران.
- رضانی فرخ، احمد، گزلان طوسی، جمال، (۱۳۹۱)، مدیریت محله‌ای در ایران: برگزیده تجارب مشارکت محله‌ای در ایران، سازمان فرهنگی هنری تفریحی شهرداری مشهد، انتشارات بوی شهر بهشت.
- زارعی، مریم، استخر، فاطمه، (۱۳۸۹)، ارائه راهکاری جهت توسعه گردشگری با بهره‌وری از جاذبه‌های تاریخی و قابلیت‌های اکوتوریسمی روستای کلات، اولین همایش بین‌المللی مدیریت گردشگری و توسعه پایدار.
- طالبی‌نژاد، محمدرضا، (۱۳۹۱)، مشارکت شهروندی مهمترین مؤلفه تغییر رویکرد شهرداری از سازمانی خدماتی به نهادی اجتماعی براساس تحلیل دستاوردهای دو الگو شورایی و مدیریت محله، مجموعه مقالات شهرداری به منزله نهاد اجتماعی، جلد چهارم، انتشارات تپسا.
- کلانتری خلیل‌آباد حسین، پور احمد، احمد و سید رفیع موسوی، (۱۳۹۳)، چالش‌های نهادی در بازآفرینی پایدار شهری، نشریه شهرسازی و معماری هفت شهر، شماره: ۴۸-۴۷.
- کلانتری خلیل‌آباد حسین، حقی، حسین و سید رفیع موسوی، (۱۳۹۴)، مدیریت بافت‌های فرسوده شهری، انتشارات جهاد دانشگاهی.
- گل محمدی، ساره، یوسفی، آرش، (۱۳۸۸)، نقش و مشارکت سازمان‌های مردم‌نهاد در توسعه حقوق محیط زیست، مجله محیط کوهستان، شماره ۱۴.
- مرتضوی، مهدی، مالکی، محمدرضا، (۱۳۹۱)، مفهوم سازی عوامل برون‌زا در تحول بخش دولتی؛ مطالعه موردی: ایران، فصلنامه فرایند مدیریت و توسعه، دوره ۲۵، ش ۲، پیاپی ۸۰.

- معاونت امور سازمان‌های مردم‌نهاد مرکز امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور. (۱۳۹۰). درآمدی بر اصول، قوانین و مقررات سازمان‌های مردم‌نهاد، مرکز امور اجتماعی و فرهنگی معاونت سازمان‌های مردم‌نهاد. وزارت کشور.
- مقیمی، سیدمحمد، (۱۳۸۵)، کارآفرینی در سازمان‌های دولتی، تهران: مرکز کارآفرینی دانشگاه تهران؛ فراندیش.
- موسسه پژوهشی مهندسی راهبرد دانش پویا، (۱۳۹۰)، تدوین برنامه راهبردی ۵ ساله شهر ساوه، شهرداری ساوه.
- موسوی، سید رفیع، (۱۳۹۴)، تحلیل ظرفیت‌های نهادی موثر بر بازآفرینی پایدار بافت‌های فرسوده شهری، رساله دکتری در حال تدوین، به راهنمایی حسین کلانتری و مشاور: احمد پور احمد، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات اجتماعی جهاد دانشگاهی.
- موسوی، سید رفیع، شیری پور، مهدی، رفیع، ابوالفضل و محمد حسین جان‌بابانژاد، (۱۳۹۳)، تحلیل مقایسه‌ای وضعیت گردشگری در کشورهای اسلامی (مطالعه موردی: ایران، ترکیه و مالزی)، اولین کنفرانس ملی شهرسازی، مدیریت شهری و توسعه پایدار: [www.Civilica.Com](http://www.Civilica.Com)
- نوریان، فرشاد، مظفری پور، نجمه، (۱۳۹۲)، ارزیابی عملکرد مدیریت محله محور با تاکید بر شاخص‌های سرمایه اجتماعی؛ مورد پژوهی: محلات هفت گانه ناحیه ۱ منطقه ۲۱ شهرداری تهران، نشریه هنرهای زیبا-معماری و شهرسازی، دوره ۱۸، شماره ۴.
- نوعی، غلامحسین، ساجع، لیلان، (۱۳۹۰)، نقش سازمان‌های غیردولتی (سمن‌ها) در توسعه پایدار، اولین همایش بین‌المللی، مدیریت گردشگری و توسعه پایدار، دانشگاه آزاد اسلامی مرودشت، فارس.
- Amin, A. (1998), an Institutional Perspective on Regional Economic Development, Paper Presented at the Economic Geography Research Group Seminar of Institutions and Governance, Department of Geography UCL, London.
- Bhagavan, m r, virgin, I (2004), Generic Aspects of Institutional Capacity Development in Developing Countries, Stockholm Environment Institute
- Brown, R. (2008) Local Institutional Development and Organizational Change for Advancing Sustainable Urban Water Futures, Environmental Management, 41.
- Connor, R., and Dovers, S. (2004), Institutional Change for Sustainable Development, Edward Elgar Publishing, Inc.
- Evans, B. Marko J. Sundback, S., and Theobald, K. (2005), Governing sustainable cities, Earthscan, London.

- Franks, T. (1999), Capacity building and Institutional Development: reflections on water, Public Administration and Development, 19.
- Georg, w (2008)tourism politics, globalization,sustainable and responsible tourism; available from. [www.arlt-lectures.com](http://www.arlt-lectures.com).
- Hanf, K., and Morata, F. (2008), Institutional capacities for sustainable development: experiences with Local Agenda 21 in Spain, In Baker, Susan and Eckerberg, Katarina, In Pursuit of Sustainable Development (new governance practices at the sub-national level in Europe, Routledge.
- Jayawardena, chandana;j. Patterson; Daniel, choi; chris and rain Ryan(2008)sustainable tourism development in Niagara; discussions, theories and insights , international journal of contemporary hospitality management, vol .20No.3, pp:258-277:[www.emeraldinsight.com](http://www.emeraldinsight.com).
- Jenks.M, Burton.E and Williams.K. (1996). (eds)The Compact City: A Sustainable Urban Form?. London: E & FN Spon, an imprint of Chapman and Hall.
- Lowe, Lucky, Schilderman, Theo (2001) THE IMPACT OF POLICIES INSTITUTIONS AND PROCESSES IN URBAN UP-GRADING, DFID Knowledge and Research Project – Regulatory Guidelines for Urban Up-grading: Workshop Report September 2001.
- Leman, Edward and John E.Cox. (1991). Sustainable urban development: strategic considerations for urbanizina nations. Ekistics, Vol. 58, No. 348/349: 216-224.
- Masum, Fahria. (2011), Strengthening Individual and Institutional Capacity and Developing Framework for Good Governance: The Need for an Integrated Approach for Proper Land Administration, Bridging the Gap between Cultures Marrakech, Morocco, 18-22 May.
- Pike, A., Rodriguez-Pose, A,and Tomaney, J. (2006), Local and Regional Development, Routledge.
- Sumper, M. (2007), is there any Institutional Capacity for Integrated Regional Development? Application of New Governance Approaches in Croatia, 47th Congress of the European Regional Science Association, Paris, August 29th to September 2nd.
- Segnestam, L Persson, A.Nilsson, M., Arvidsson, A. and Ijjasz, E. (2002) Country Environment Analysis: a Review of International Experience, Environment Strategy Papers, No 8. World Bank.
- Willems, Stéphane, Baumert, Kevin (2003), Institutional Capacity and Climate Actions, Organisation for Economic Co-Operation and Development, International Energy Agenc.